

جهادگر ترمینولوژی‌نگاری

تقدیم به جهادگر دانش حقوق، بنیان‌گذار ترمینولوژی نگاری حقوق در سپهر حقوقی اسلام و
ایران استاد جعفری لنگرودی (دامت توفیقاته)

سید احمد حبیب‌نژاد^۱

علی امینی^۲

چکیده

اگر ثبت و ضبط لغات را دارای پیشینه‌ای طولانی در تاریخ دانش مکتوب اسلام و ایران بدانیم، گردآوری و تألیف کتاب اصطلاحات علوم و فنون دارای تاریخی کهن به خصوص در زبان فارسی نبوده و این موضوع بر اصطلاحات علم حقوق نیز صادق است. گردآوری و ضبط و ثبت و تعریف اصطلاحات به عنوان یک دانش که نیاز به اطلاعات و مهارت‌های گسترده دارد، بدون روش و تلاش فراوان امکان‌پذیر نبوده است و داشتن روش صحیح در کنار تتبع فراوان، استقرا و اجتهاد و شهامت علمی می‌تواند ثمر بخش باشد و نتیجه لازم را به دست دهد. در این مقاله ضمن مطالعه فشرده لغت و اصطلاح و کتاب‌شناسی در این خصوص، روش ترمینولوژی‌نویسی استاد جعفری لنگرودی و خصوصیات و عوامل مؤثر آن را، به عنوان اولین کسی که به این کار دست زده و بنا بر روش برگزیده خود در پیشرفت و اعتلای این دانش مجاهدت کرده بررسی و به تشریح عملی روش ایشان پرداخته شده است.

کلیدواژه: ترمینولوژی حقوق، روش‌شناسی نگارش فرهنگ اصطلاحات، استاد جعفری لنگرودی، روش تحقیق
دانشنامه‌نگاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. عضو هیئت علمی و مدیر گروه حقوق عمومی و بین‌الملل پردیس فارابی دانشگاه تهران

Email: A. habibnezhad@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی - سردفتر اسناد رسمی ش ۲۷ قم

Email: daf27qom@gmail.com

مقدمه

پرداختن به علم لغت و شناخت آن سابقه‌ای بس طولانی داشته است و کسانی که آشنایی بیشتر به لغات و اصطلاحات و معانی آن و شعر و ادب داشته‌اند، نزد هر قوم و جامعه‌ای مقرب و محترم شمرده می‌شده‌اند. گردآوری و ضبط لغات سابقه‌ای بسیاری طولانی ندارد و آنچه که در زبان فارسی و عربی صورت گرفته است، بیشتر بعد از اسلام است. سابقه گردآوری اصطلاحات در هر دو زبان عربی و فارسی بسیار کوتاه‌تر از گردآوری لغات عمومی بوده است و باز به همین ترتیب، گردآوری اصطلاحات علوم و فنون و از آن جمله گردآوری اصطلاحات حقوقی بسیار متأخر بوده است.

در این مقاله که به مناسبت بزرگداشت و پاسداشت مقام علمی استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی تهیه شده است، ابتدا برای ورود به موضوع و روشن شدن مبادی آن به بررسی فرهنگ و فرهنگ نگاری و توضیحی مجمل از کتاب‌شناسی زبان فارسی در این خصوص بیان داشته و سپس به بخش اصلی آن یعنی آشنائی با روش استاد جعفری لنگرودی به عنوان کسی که افتخار گردآوری و تدوین اولین «فرهنگ حقوقی» را به خود اختصاص داده و متعاقب آن رنج و تلاشی وصف ناشدنی را بر خویش هموار کرده است تا بتواند آغاز کار خود را به انجامی برساند پرداخته ایم.

استاد جعفری لنگرودی با «فرهنگ حقوقی» در عرصه دانش اصطلاح‌نویسی حقوقی کشور آغاز و عرصه علم حقوق ایران را به داشتن «ترمینولوژی حقوق» آشنا ساخت تا از این رهگذر «دانشنامه» داشته باشد و فرهنگ حقوقی اش با «مبسوط در ترمینولوژی حقوق» بسط یابد و در این میان خود را با «وسیط» بیازماید تا آن گونه که آرزو کرده است به «اندیشه و ارتقا» برسد.

۱- فرهنگ و فرهنگ نگاری

اصطلاح فرع بر لغت است. وقتی معنی خاصی نزد جمعی خاص برای یک واژه در نظر گرفته می‌شود، آن واژه تبدیل به اصطلاح در نزد آن جمع می‌شود. علم لغت خود دانشی قدیم و با اهمیت است. این دانش در مورد وضع کلمات و مسائل لغوی بحث می‌کند. ابن خلدون در این باره می‌گوید: «این دانش عبارت از بیان وضع کلمه‌ها و مسائل لغوی است و از این رو به تدوین آن همت گماشتند. لغات مانند لغت عرب، وقتی در زبان دیگر اقوام و بیگانگان به کار رفت از حیث تلفظ و نیز معنی دگرگون شد و لذا برای حفظ معنی اصلی که برای آن وضع شده بود، لغات و معنی آنها گردآوری شد و نخستین کسی که این کار را انجام داد خلیل بن احمد فراهیدی^۱ بود که کتاب العین را در علم لغت تألیف کرد.»^۲

۱. خلیل بن احمد فراهیدی مکنی به ابو عبدالرحمن متولد سال ۱۰۰ و متوفی به سال ۱۷۵ هجری قمری. در اصل از اولاد ملوک عجم است که سیبویه لغوی معروف نیز از همین خاندان است. زندگی خویش را مصروف علم کرده و با تربیت شاگردانی بزرگ و دست یافتن به قواعد مهم زبان عرب نام خود را در ردیف بزرگان این علم قرار داد. کتاب العین در لغت مهمترین کتاب اوست و از مهمترین کتابهایی است که در لغت عربی نگاشته شده است. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ج ۷، تهران، دانشگاه تهران، ص ۹۹۴۲.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، محمد، تهران، شرکت سهامی انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰،

۱-۱- کتابی که مشتمل بر اصطلاحات هر علم یا فن است را به نامهای گوناگونی خوانده یا می‌خوانند. نام‌هایی که در زبان فارسی متداول است مانند معجم، فرهنگ و ترمینولوژی با پسوندی مانند مصطلحات و اصطلاحات همراه است. این عناوین یا عامتر از محتوا به کار رفته یا فارسی نیست ولی با این حال «فرهنگ» به معنی کتابی که دربردارنده اصطلاحات یک دانش یا فن است را این گونه تعریف کرده‌اند: «منبعی دقیق، موثق و معتبر درباره واژگان یا اصطلاحات تمام یا بخشی از زبان یا رشته‌ای خاص از معارف و علوم که بر اساس نظم خاص و به طور معمول الفبائی مرتب می‌شود.»^۱

دهخدا و محمد معین، فرهنگ را در معنی عام آن، کتابی می‌دانند که شامل لغات یک یا چند زبان است و آن را در معنی اصطلاحات به کار نبرده‌اند.^۲ به همین جهت فرهنگ را به دو نوع یا دسته تقسیم کرده‌اند: «فرهنگ‌ها به دو دسته عمومی و تخصصی تقسیم می‌شوند. به فرهنگ‌های عمومی واژه‌نامه یا لغت‌نامه گفته می‌شود.. و فرهنگ‌های تخصصی، منابعی‌اند که در آن، واژگان و اصطلاحات یک رشته خاص از معارف و علوم به همراه معانی آنها و توضیحات لازم جمع شده است.»^۳

۱-۲- فرهنگ‌نویسی، فرهنگ اصطلاحات، ترمینولوژی و واژه نگاری از کارهای دشوار بلکه بسیار دشوار علمی است که متخصصین یک علم یا یک رشته علمی مبادرت به گردآوری و ثبت و ضبط آن می‌کنند و آن را تحت یکی از عناوین فوق در اختیار کاربران عام و خاص قرار می‌دهند.

مصطلحات و واژه‌های خاص هر علم اهمیت ویژه‌ای دارد تا جایی که نویسنده کشف می‌گوید: «هر دانشی اصطلاحات ویژه به خود را دارد که اگر تحصیل کننده آنها را فرا نگیرد در یادگیری آن علم موفق نمی‌شود و به آن راهی نخواهد برد.»^۴ این به آن معناست که اصطلاحات، زبان خاص و متداول یک علم میان اهل آن علم است. اهمیت اصطلاحات به گونه‌ای است که هر علمی به واسطه آن، زبان خاصی پیدا می‌کند که اهل آن علم به آن زبان سخن می‌گویند. «اهل هر علم الفاظ عمومی تکلمی را در معانی اصطلاحی خودشان استعمال می‌کنند.»^۵

اضافه بر این اصطلاحات، بخشی از فرهنگ عام جامعه است و هرچه این بخش وسیعتر، فرهنگ جامعه غنی و پربارتر. استاد جعفری لنگرودی در این باره بر این نظر است که: «لغات مصطلح، حاوی قسمتی از فرهنگ جامعه است.»^۶

۱. مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۵۰

۲. دهخدا، علی اکبر، پیشین و معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، نامن، ۱۳۸۴، ذیل واژه فرهنگ.

۳. مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، پیشین، ص ۵۰

۴. «فأن لكل علم اصطلاحا خاصا به إذا لم يعلم بذلك لا يتيسر للشارع فيه الاهتداء إليه سبيلا و إلى انغمامه دليلاً.» تهانوی، محمدعلی بن

علی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم ۱/۱ بیروت، لبنان، مکتبه لبنان ناشرون

۵. دهخدا، علی اکبر، پیشین، ۲/۲۷۴۳.

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲، مقدمه.

شناسایی، گردآوری و ضبط اصطلاحات در یک مجموعه کاری ساده و آسان نیست. پرداختن به این امر احاطه و اشراف جامعی بر علم و دانش مورد نظر نیاز دارد و اطلاع بر اصطلاحات ارزان به دست نمی‌آید. استاد جعفری لنگرودی بر این عقیده است که اطلاع اهل فن از اصطلاحات «بر آنان ارزان تمام نشده بلکه سال‌ها مطالعه و خدمت در یک فن کلید این اصطلاحات را به دست آنان داده است. به همین جهت است که لغت‌نویسان عادی کمتر به استقبال اصطلاحات می‌روند و غالباً به ذکر معانی لغوی آنها قناعت می‌کنند و یا به طور ناقص، تعبیری از اصطلاحی می‌کنند و دخالت نامشروعی در کاری که صلاحیت آن را ندارند می‌کنند.»^۱

۳-۱. بدیهی می‌نماید که گردآوری و تألیف کتاب یا مجموعه‌ای که مشتمل بر اصطلاحات یک فن یا رشته علمی تحت هر عنوانی مانند: فرهنگ نامه، فرهنگ اصطلاحات، ترمینولوژی و امثال آن و همچنین وضع اصطلاحات کاری با اهمیت است که از افرادی انگشت شماری که توانائی و احاطه علمی لازم را داشته باشند برآمده است، به خصوص هنگامی که متوجه این معنا باشیم که اشاعه و توسعه علم، ارتباط به شناسایی و تعریف اصطلاحات آن علم دارد. از این رو گفته‌اند: «فرهنگ‌نویسی و گردآوری دائره‌المعارف‌ها از مهمترین فعالیت‌های علمی دانشمندان برجسته اسلام در دوران تمدن اسلامی محسوب می‌شده است. آنها این ضرورت را به خوبی دریافته بودند که توسعه دانش، ارتباط تمام با گردآوری کلمات و وضع اصطلاحات و تعابیر جدید دارد.»^۲

گردآوری و نوشتن فرهنگ اصطلاحات یا به تعبیر استاد جعفری لنگرودی «لغات فنی» از دو حیث کاری مشکل و پردغدغه و توان فرساست. از طرفی شناسایی و گردآوری استقرائی مصطلحات و از سویی استنباط و پروراندن علمی اصطلاح مورد نظر استاد جعفری لنگرودی در خصوص قسمت اول، لزوم «ضبط آنها به امانت» را متذکر شده و اضافه کرده‌اند: «فرهنگ اصطلاحات حقوق - یا فقه یا هر دو- نوشتن، سهل ممتنع است. سهل است از دید کسانی که هر لغت عربی یا فرانسه یا انگلیسی را با گردآوری از منابع ضعیف و قوی یا با رونویسی، اوراق فراهم می‌آورند. اثر سوء این کار، ابقای مردمان در حالت قهقرائی فرهنگی است؛ جهشی در آن برای افکار دیده نمی‌شود. ممتنع است از زاویه دید کسانی که فرهنگ را ابزار ارتقای اندیشه قرار می‌دهند، یعنی عالماً عامداً در ردیف اصطلاحات متداول، پاره‌ای اصطلاحات را می‌آورند و اندیشه‌های نو را القا می‌کنند. مانند واژه‌های ۳۶۳ تا ۳۶۵. در این مسیر کارهای گوناگون می‌توان صورت داد، مثلاً پاره‌ای از اصطلاحات چنان بی‌رمق و بی‌مایه عرضه شده است که به صورت متروکه و اراضی موات درآمده است. نویسندگان فرهنگ حقوق اگر سلطه بر اجتهاد احکام و موضوعات داشته باشد، می‌تواند با ذکر امثله

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ حقوقی، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۵، مقدمه: ۶.

۲. آیه الله‌زاده شیرازی، مرتضی، آذرنوش، آذرتاش و عادل، محمود، مجمع اللغات، فرهنگ مصطلحات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

زنده، احیای موات کند... پس چنین نیست که فرهنگ‌نویسی کار هر نوکار باشد؛ دو صد من استخوان خواهد که صد من بار بردارد.»^۱

همچنین ایشان در اولین کتاب خویش در اصطلاحات، اهمیت آن را در علوم با بیانی انتقادی که شیوه مألوف ایشان است، مثال‌هایی آورده‌اند که عیناً و بدون نیاز به هر شرح و تفسیری نقل می‌کنیم «برای کسانی که با علوم و فنون آشنائی پیدا می‌کنند دانستن اصطلاحات از ضروریات است. اصطلاحات الفاظ کوتاهی است که معانی زیادی را ادا می‌کند و مقاصد علمی را فرمول‌وار ظاهر می‌سازد. عملاً احساس شده است که هیچ دانشمند یا هنرمندی بدون استمداد از اصطلاحات نمی‌تواند مقاصد خود را بیان کند. بگذریم از اینکه بعضی از اهل ظاهر و تهیدستان از راه جعل اصطلاحات بی‌مورد دست به تظاهرات می‌زنند. ندانستن اصطلاحات و سوءاستعمال آنها ایجاد هرج و مرج در مطالب علمی می‌کند و قدر و ارزش گوینده و آثار او را می‌کاهد و اعتبار گوینده و گفتار را از بین می‌برد. من در این زمینه مشاهدات عجیب و غریب دارم که مایه عبرت است. اکنون پاره‌ای از آنها را ذکر می‌کنم: ۱- یکی از اصطلاحات حقوقی لفظ «حقوق عمومی» است. اگر مشخصات این اصطلاح را خوب در نظر بگیریم خواهیم دید که این اصطلاح در مورد حوزه‌های قانونی که حکومت بر پایه اندیویدوآلیسم بنا شده یعنی در جوامعی که حکومت فردی وجود دارد «حقوق عمومی» به معنایی که در حقوق جدید ایران به پیروی از متن اصلی فرانسه استعمال می‌شود نمی‌تواند وجود داشته باشد. ولی معذک دیده شده که بعضی برای حقوق‌های مذهبی (که عموماً براساس حکومت فردی قرار دارند) حقوق عمومی قائل شده‌اند... ۲- در جایی دیدم که بیگانگان را از نظر فقه اسلامی به سه دسته تقسیم کرده‌اند: الف- اهل کتاب (یهود- مسیحیان- زرتشتیان) ب- مستأمن ج- بت‌پرستان! این اصطلاحات به هیچ وجه اساس فقهی ندارد و صحیحاً استعمال نشده است. (ر. ک: مهاده). ۳- هنوز هم عده زیادی هستند که مجازات‌های قانون اسلام را فقط از جنس قصاص می‌دانند با اینکه قصاص به معنی کیفر نیست، بلکه قصاص یک قسم از کیفرهای اسلامی است. ۴- خلافت یکی از اصطلاحات حقوق اساسی و حقوق اداری اسلام و تاریخ حقوق ایران است. عده‌ای خلافت را نوعی از جمهوری می‌دانند. این می‌رساند که نه با اصطلاح جمهوری آشنائی دارند و نه با اصطلاح خلافت. از این قبیل مثال‌ها فراوان است. برای رفع این قسم اشتباهات و حفظ اعتبار علمی خود ناچاریم دقت بیشتری در اصطلاحات علمی که با آن سروکار داریم بکنیم. فرهنگ اصطلاحات سهل‌ترین وسیله‌ای است که این مقصود را تأمین می‌کند. مبتدی را معلم است و منتهی را نگهدارنده از لغزش و خطا.»^۲

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، پیشین (استاد جعفری لنگرودی در این مقدمه خلاصه مقدمه و مؤخره (پایانه) کتاب مبسوط را آورده‌اند).

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ حقوقی، پیشین، مقدمه صص ۷-۹.

۴-۱- جمع‌آوری لغات و تألیف لغتنامه، گرچه در فرهنگ فارسی و عربی سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، ولی در خصوص اصطلاحات به این گونه نبوده است و در زبان فارسی بسیار جدید و در زبان عربی نیز بسیار متأخر بر جمع‌آوری لغات بوده است.

«ایرانیان بسیار دیر به فکر تدوین فرهنگ برای فارسی دری افتادند و ظاهراً فرهنگ‌نویسی در قرن پنجم هجری آغاز شد. نام دو فرهنگ که در سده‌های مذکور تألیف شده‌اند به ما رسیده... ولی هیچ یک از این دو کتاب به ما نرسیده است. قدیمی‌ترین کتابی که در این زمینه در دست است «لغتنامه» تألیف اسدی طوسی شاعر است که به نام فرهنگ اسدی یا لغت فرس مشهور است»^۱. بعد از آن و در سده‌های اخیر نیز کتاب لغت‌های متعدد جمع و نگارش یافته‌اند که محل بحث آن در اینجا نیست.

با این وجود و در زمان حاضر، زبان و فرهنگ غنی فارسی از حیث کتاب و فرهنگ لغت، کتابی معظم که می‌توان آن را فرهنگی جامع از لغات فارسی و آنچه که در زبان فارسی به کار رفته است به نام «لغتنامه دهخدا» در اختیار دارد که حاصل تلاش انفرادی یکی از بزرگترین خادمان به فرهنگ این مرز و بوم است و در سال ۱۳۲۵ از طرف مجلس شورای ملی طبع آن آغاز شد و این کار سالیانی به درازا کشید.^۲ لغتنامه دهخدا از کتاب‌هایی است که علی‌رغم ایراداتی که استاد جعفری لنگرودی به آن دارند، مورد وثوق و استناد ایشان است.^۳

استاد جعفری لنگرودی تدوین و تألیف جداگانه فرهنگ اصطلاحات را ناشی از یک نیاز می‌داند و در مقدمهٔ اولین کتاب فرهنگ حقوقی خود، پس از تعریف اصطلاح و بحث پیرامون آن یادآور می‌شود که: «از قدیم‌الایام این احتیاج پیش آمده که فرهنگ اصطلاحات جداگانه مدون شود که از آن جمله «التعریفات الجرجانیة» تألیف نویسندهٔ عالیقدر شریف گرگانی از بزرگان قرن هشتم هجری است»^۴ و در تعقیب گفته خود ضمن ابراز تأسف از اینکه پس از تلاش این مرد فکر وی تعقیب نشده، از این که نهضت علمی آغاز شده، ما را به آینده امیدوار می‌کند، خرسند است.

۵-۱- استاد جعفری لنگرودی از همان اوان ورود به عرصهٔ دانشگاهی علم حقوق با احاطه و اشراف کاملی که به بسیاری از واژگان مشترک فقه و حقوق داشتند، با پی بردن به نیاز و اهمیت تدوین و انتشار اصطلاحات حقوقی با اجتهاد و شناخت کامل پای در این در عرصه‌ای نهادند که تاریخ حقوق ایران نشان می‌دهد کسی را توان و شهامت ورود به آن را نداشته است و همان گونه که می‌توانسته میان داری این عرصه را به اوج برساند، می‌توانسته یک خودکشی علمی نیز باشد.

۱. معین، محمد، پیشین، مقدمه ص ۳۶

۲. همان، مقدمه ص ۳۷

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۳۹۴۷

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ حقوقی، مقدمه ص ۷. کتاب التعریفات بارها چاپ شده است و در سال ۱۳۶۰ گزیده‌ای از متن اصلی آن توسط عمران علیزاده در تبریز منتشر شد تا اینکه در سال ۱۳۷۷ متن کامل آن با عنوان «تعریفات، فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی» توسط حسن سید عرب و سیما سادات نوربخش در تهران به چاپ رسید.

یکی از شاگردان توانمند و بارز و خلف علمی استاد جعفری لنگرودی، دائره‌المعارف‌نویسی ایشان - اعم از فرهنگ اصطلاحات و دانشنامه‌نویسی - را به جهادی تشبیه کرده است و بیان داشته است: «اگر بگوییم دائره‌المعارف‌نویسی در علم حقوق با استاد جعفری لنگرودی شروع شد و همراه او بالید و دیگر هیچ، سخنی به گزاف نگفته ایم».^۱ نویسنده زندگی و افکار و آثار استاد جعفری لنگرودی، در حضور ایشان و احمد مهدوی دامغانی که به حق از اساتید برجسته و مفاخر این مرزبوم هستند در خصوص فرهنگ‌نویسی استاد جعفری لنگرودی می‌گوید:

«قیام و اقدام ایشان در فرهنگ‌نویسی کاری است که هیچ کس نکرده و از این جهت ایشان حق عظیمی به گردن مملکت و پژوهندگان دانش حقوق و فضایی حوزه ما دارند. بعد از اینکه ایشان این کار را کرد هنوز رجلی پیدا نشده است که آن کار را ادامه دهد و انصافاً ایشان در فرهنگ‌نویسی از نظر دانش جدید حقوق زحمت کشیده‌اند و من فکر میکنم چند نسلی را از ورود در این مقوله بی‌نیاز کرده‌اند... اولین فرهنگی که ایشان نوشتند، «فرهنگ حقوقی» بود. کانون معرفت که ظاهراً آن موقع مرکز نشر بود آن را چاپ کرد. آن فرهنگ، فرهنگ خلاصه‌ای بود که ایشان نوشته بودند و بعدها در سال ۱۳۴۵ کتاب «ترمینولوژی حقوق» را که در واقع واژه‌شناسی حقوق است نوشتند و سال‌هاست تجدید چاپ می‌شود و الآن برای اهل فن چه در دانشگاه، چه در حوزه‌ها «حجت بالغه» است، برای اینکه هرکس بخواهد حتی به واژه‌های فقهی هم معرفت پیدا کند جایش در «ترمینولوژی حقوق» است.^۲ آن کار را ایشان ادامه دادند و در این یکی دو سه سال اخیر «دائرةالمعارف علوم اسلامی» را چاپ کردند که تمام واژه‌های حقوق اسلام را در برمی‌گیرد و به تعبیر بنده «دائرةالمعارف علوم اسلامی» کتاب فقه ایشان است... این کار عظیمی بود که کردند و با استقبال بی‌نظیری مواجه شد و در فاصله بسیار کم به چاپ دوم رسیده است.»^۳

۱-۶- بر اساس شواهد و ظواهر امر، مستنداً و مستنداً و با توجه به خلاصه‌ای که بیان شد، به قطع و یقین می‌توان گفت: در تاریخ حقوق ایران، فرهنگ و ترمینولوژی حقوقی نگاری به صورت علمی و منظم براساس تلاش و مجاهدت پنجاه ساله مدام و مستدام استاد جعفری لنگرودی آغاز و در دورانی که این امور تنها به صورت جمعی و با حمایت‌های کلان و قوی انجام می‌شود، به سرانجامی رسید که نه تنها تا سالیان

۱. قنبری، محمدرضا، بر تارک علم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۳۰.

۲. شاید ذکر این نکته جالب و لازم به نظر برسد، سالیان درازی است که مؤسسه بزرگ دائره‌المعارف فقه اسلامی که در سال ۱۳۶۹ با امکانات بسیار مناسب با هدفی که دارد به تدوین و تألیف «موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل‌البیت» اشتغال داشته و تا کنون ۴۱ مج بزرگ از کتاب به چاپ رسیده و اساس کار را می‌توان همان دانست که لنگرودی به کار برده است. یعنی گردآوری و بحث در اصطلاحات و ذکر منابع. بدیهی است دایره اصطلاحات موسوعه بیشتر و در عوض فاقد اصطلاحات خاص و منحصر حقوقی باشد. برای توضیحات بیشتر ر. ک: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل‌البیت ع - قم - موسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی،

(۱۴۲۳ هـ. ق) مقدمه ص ۱

۳. قنبری، محمدرضا، پیشین، ص ۱۲۶.

دراز شخص و اشخاص به آن نمی‌توانند رسید که مبنا و سنگ بنای این کار بزرگ و سترگ را نیز بنیان نهاد و پایه‌های علمی آن را از حثیث روش و نگارش محکم و استوار ساخت. اگرچه نگاه ایشان در هنگام تدوین «فرهنگ حقوقی» برای پاسخ به یک ضرورت و نیاز بود، ولی این امر و با گذشت پنجاه سال ایشان را که در «اندیشه‌ارقاء» و تعالی بوده‌اند به جایگاهی رسانید که بنا به گفته خودشان دو علم «عناصرشناسی» و «موضوع‌شناسی» را بنیان نهادند. وی در این خصوص این گونه بیان داشته است:

«عمر من در نوشتن فرهنگ حقوقی، ترمینولوژی حقوق، مبسوط، فرهنگ عناصرشناسی، وسیط، بیش از هر کس گذشت؛ از تاریخ نوشتن فرهنگ حقوقی تا تاریخ فراغت از تألیف کتاب وسیط، حدود پنجاه سال گذشت و خاطر پیوسته مشغول به امر تعاریف بود تا سرانجام در سال ۱۳۸۰ ه.ش. علم عناصرشناسی را بنیاد نهادم. در این علم، اقدامی سخت در استقرار اجزای وجودی هر عقد (و هر ایقاع) کردم؛ این اجزای وجودی را عناصر نامیدم. تدریجاً علم عناصرشناسی را عرضه کردم که مظهري از جرئت اندیشه است»^۱. «اشتغال من به تألیف چند کتاب در اصطلاحات این علم که چهل سال به طول انجامید کم کم منتهی به بنیان‌گذاری علم موضوع‌شناسی شد که می‌تواند مقدمه مناسبی برای کتاب قوه قدسیه باشد. پس آن را در آغاز این اثر گذاشتم. دعای خیر من بر شما باد»^۲.

۲- روش استاد جعفری لنگرودی

گرچه روش‌شناسی و روش تحقیق در یک علم از مقولات جدیدی است که به طور خاص به آن پرداخته می‌شود ولی هر نویسنده و پژوهشگری حسب استعداد، توان و سلیقه خود، در تتبع و نگارش روشی دارد که اهل فن آن را از نوشته وی استنباط و فهم می‌کنند، حتی اگر همچون نویسندگان گذشته از روش خود سخنی به میان نیاورده باشند. همین گونه است که استاد جعفری لنگرودی روش علامه حلی قدس سره در تذکره را تبیین می‌کند.^۳

وی دو ثمره را برای نوشتن روش تحقیق توسط مؤلف بیان می‌دارد: «اول: خواننده را در بهره‌گیری از کتاب، راهنما و مددکار خوبی می‌شود و او را متوجه می‌کند که حداکثر استفاده را از مطالعه اصطلاحات ببرد. دوم: ارشادی است مؤلفان و نویسندگان را، در رشته‌های علوم اجتماعی مشابه، وقتی که طرح‌های بزرگ را در دست می‌گیرند. نتیجه مشترک این دو ثمره پیشبرد علوم اجتماعی است و جلوگیری از اضعاء اعمار و فرو افتادن در چاه تکرار»^۴.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، علم حقوق در گذر تاریخ، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۱۶۴، ش ۲۶۱

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، قوه قدسیه، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۳، ص ۳

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، الفارق، ج ۲، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۴

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، پیشین، ص ۳۹۳۳

استاد جعفری لنگرودی روش تحقیق را بیشتر دارای جنبه ارشادی - یعنی غیرالزامی - می‌داند: «روش تحقیق، بیشتر جنبه ارشادی دارد: ارشاد اذهان افاضل در مسیر تحقیقات».^۱ بنابراین چون این امر ارشادی دانسته شده است ایشان به عدم لزوم تبعیت از اسلاف در انتخاب روش تصریح می‌کند و گاهی این تقلید را موجب کوتاهی در کار می‌داند.^۲

به باور استاد جعفری لنگرودی با روش تحقیق صحیح می‌توان همچون باستان شناسان که تمدنهای منقرض شده را از زیر خاک بیرون می‌کشند، جهان‌های گمشده حقوق را کشف کرد. «در علم حقوق هم جهان‌های گمشده سراغ دارم. حیف که عمر وفا نمی‌کند همه را در کتابی مدون به نظرتان برسانم». سپس ایشان، به تفصیل سه نمونه «استصناع»، «عقد اجاره ای» و «استبدال» را مثال می‌زند.^۳ استفاده از روش تحقیق علاوه بر آنکه وسیله‌ای است برای یافتن جهان‌های گمشده در سیستم‌های مختلف و تاریخ حقوق، وسیله‌ای است برای گذر از مرزهای حقوقی و یافتن عرف‌هایی که هنوز رقیبی به نام قانون نیافته و بعدها مبنای تأسیسات حقوقی شدند و «برای عبور از این مرزها فقط یک نوع گذرنامه لازم است که نام آن، روش تحقیق است».^۴

استاد جعفری لنگرودی تمامی تجربیات و دانش خود در روش تحقیق را در کتابی تحت عنوان «صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق» عرضه نموده‌اند که بخشی از آن نیز مربوط به تجربیات و روش مختار ایشان در تدوین ترمینولوژی‌های حقوقی و دانشنامه‌های ایشان و امثال آن است.^۵

۱-۲- روش تحقیق اهمیت بسزایی دارد و تمامی اهل فن به روش به کار رفته در آثار بزرگ توجه ویژه نشان می‌دهند. روش متقن، مورد توجه همگان است. هنگامی که یک اثر ارزشمند باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد و یکی از مواردی که مورد نظر اهل فن قرار خواهد گرفت، روش به کار رفته در تألیف آن است که این شناسایی و توجه حتی از مرزهای داخلی نیز فراتر می‌رود چرا که دانش مرز نمی‌شناسد. «روش تحقیق در قرن حاضر، طرف توجه جهانیان واقع شده است و هرچه در این زمینه نوشته شود، کم است».^۶ استاد جعفری لنگرودی اهمیت روش تحقیق و لزوم ارائه آن توسط نویسنده را در یک آرزو به این گونه بیان می‌دارد: «آرزو این است که هر مؤلف، خصوصیات روش تحقیق خود را بنویسد که این کار راهنما یا راهگشای خوبی است برای آیندگان. انتظار نداشته باشید که خصوصیات را همه بپسندند».^۷

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۵

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستاد، ۱۳۶۳، مقدمه ص ج

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، صص ۷۱-۶۹

۴. همان، ص ۷۲

۵. اولین چاپ این کتاب در سال ۱۳۸۲ توسط گنج دانش منتشر شده است.

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، الفارق، پیشین، ص ۳

۷. همان، ص ۱۵

وی در مقدمهٔ جلد اول آخرین و مفصل‌ترین کتاب خود در ترمینولوژی حقوق که احتمالاً در سال ۱۳۷۶ نگاشته شده است ضمن معرفی مبسوط، روش کار خود را نیز تا حدودی بیان کرده است و در انتهای جلد پنجم نیز مؤخره (پایانه) ای دارد که در سال ۱۳۷۷ نگاشته و در آن به صراحت روش تحقیق خود را بیان کرده است.

۲-۲- روش استاد جعفری لنگرودی در تدوین و تألیف «اصطلاحات فنی» حقوق را به دوگونه بایستی شناسایی کرد:

اول: با بررسی کتاب‌های ایشان و روشی که در آن به کار برده‌اند. این روش از فرهنگ حقوقی آغاز می‌شود و با مبسوط پایان می‌یابد. تمایزات ویژه‌ای از حیث کمی و کیفی در اولین و آخرین تألیف اصطلاحی ایشان به چشم می‌خورد که در قسمت پایانی این مقاله که به بررسی این دست آثار ایشان اختصاص دارد ارائه خواهد شد.

دوم: آنچه را که صراحتاً به عنوان روش مطلوب و مختار در کتاب‌های خود به تفصیل بیان کرده است. در ادامه برخی روش‌های کلی مرتبط و روشهای جزئی یا عام و خاصی را که وی به صراحت بیان داشته است می‌آوریم:

۲-۳- وی پته‌برداری (فیش‌برداری)^۱ از متون و منابع را قدم اول کار تحقیق دانسته است و لازمهٔ آن را داشتن سابقهٔ تحقیقات و تحصیلات عالی می‌داند. خطای بزرگ از نظر ایشان سپردن کار فیش‌برداری به افراد جوان و کم تجربه است. فیشها از نظر استاد جعفری لنگرودی به مثابهٔ مصالح ساختمانی هستند که هرچه مرغوب‌تر انتخاب شود، ساختمانی بهتر و ماندگارتر ساخته خواهد شد که گذشت زمان بر آن اثر نخواهد کرد. وی دو واژهٔ «مکاس - ش: ۱۳۹۲۹» و «ملازمت مدیون - ش: ۱۳۳۲۸» مبسوط را شاهد می‌آورد.^۲

۲-۴- همان گونه که قبلاً ذکر شد، استاد جعفری لنگرودی به گردآوری صرف اصطلاحات بسنده نکرده است و ضمن استقرا در ضبط اصطلاحات، به استنباط نیز پرداخته و آنها را به «اصطلاحات منصوص» و «مستنبط» تقسیم کرده است.^۳

۱. استاد جعفری لنگرودی در کتابهای خود برای «فیش‌برداری» سه معادل ذکر کرده‌اند: «پته‌برداری»، «پتک‌برداری» - که شاید همان پته‌برداری است و اشتباه چاپی شده است - «برگیزه» به معنی فیش. ن. ک: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸، مقدمه ص ۴، جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، پیشین، ص ۳۹۳۳، قنبری، محمدرضا، بر تارک علم، پیشین، ص ۳۱ و جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دائرةالمعارف علوم اسلامی، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۳، مقدمه ص ۱

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، پیشین، ص ۳۹۳۳

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ حقوقی، پیشین، ص ۱۳

بخشی از گردآوری اصطلاحات منصوص از طریق استقرا و ملاحظه متون معتبر قدیم و جدید امکان پذیر است که نیاز به تلاش مداوم و طولانی دارد و بخش دیگر آن یافتن یا ساختن تعریف صحیح است. استاد جعفری لنگرودی بیان می‌دارد که از استقرا در فرهنگ‌نویسی دو استفاده کرده‌اند: «اول - گردآوری موارد استعمال واژه‌ها مانند «ناقل - ش: ۱۳۸۳۳» و «نوزده - ش: ۱۴۲۱۳». دوم: استقرای اقسام یک واژه و یا مصادیق مختلف آن، مانند: ۱) استقرای نام‌های آیاتی که عنوان خاص دارند. ۲) استقرای کامل اسامی نقود و اوزان»^۱.

در خصوص اصطلاحات مستنبط، علاوه بر ملاحظه متون مختلف، اجتهاد نیز مورد نیاز است تا به ساختن اصطلاح و تعریف آن منجر شود.^۲ «به قطع و یقین، هزاران سال پیش یک نفر اهل دکتترین، قدم پیش گذاشت مثلاً بیع یا اجاره را تعریف کرد. به حدس و گمان خود؛ تنها به قاضی رفت و خوشحال بازگشت. نفر دوم که آن تعریف را دید همت به خرج داد و اندک دستکاری در آن کرد و نتیجه کارش را به صورت تعریف بیع یا اجاره برجا گذاشت. کار همین منوال هزاران سال گذشت و هنوز هم بر همان حال می‌گذرد. برای نمونه می‌توان به تعریف وصیت تملیکی در تألیفات نگاه کرد. خودم سالیان دراز همین راه را طی کردم و سرانجام پس از انتخاب و ابداع یک تعریف برای وصیت تملیکی، آن را اصلاح کردم و اصح تعاریف را ساختم.»^۳

۵-۲- مؤلف «در ماده تألیف خود با سلف شریک است و در صورت تألیف منفرد». ایشان در روش خود، منابع را فقط برای گردآوری نمی‌داند بلکه ابداع و تحقیق در نظر ایشان از اهمیت بیشتری برخوردار و ممکن است تفاوت کلی منبع با آنچه که استخراج شده است را نشان بدهد.

۶-۲- اگر نگاهی به کتاب‌های فرهنگ حقوقی و مبسوط بیندازیم به خوبی متوجه تفاوت در کوتاهی و بلندی تعاریف می‌شویم. وی خود را مقید به کوتاهی تعریف که متناسب فرهنگ‌نویسی است نمی‌داند و صریحاً بیان می‌دارد: «دادن تعاریف کوتاه و سنتی را اصلاً متناسب کارهای تحقیقی ندیدم.»^۴ این باور ایشان نشان از پایبندی شدید به تحقیق و ارائه آن است، و گرنه می‌دانیم که عرف نویسندگان فرهنگ بر رعایت «ما قلّ و دل» می‌باشد.

۷-۲- «ترک اعتماد، اساس روش تحقیق است»^۵ استاد جعفری لنگرودی این گزاره را به عنوان تیرم مطلب خود انتخاب کرده است و این نشانه اهمیت آن در تحقیق است. اگر بنا بود که ایشان در روش تحقیق

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ۳۹۳۹

۲. استاد جعفری لنگرودی تعاریف را واقعا ناتوان دانسته و گاه آن را محال می‌داند. مانند: تعریف «ژنوسید»، «احوال شخصیه» ر. ک:

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، علم حقوق در گذر تاریخ، پیشین، ص ۱۶۳ ش ۲۶۰

۳. همان، ش ۲۵۹

۴. همان، ش ۲۶۱

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، پیشین، ص ۷۵ ش ۱

خود به بسیاری از تعاریف موجود اعتماد و آنها عیناً نقل کند، نتیجه کار وی این اندازه از اهمیت و اعتبار را نداشت و راهها و افق‌های جدید در مباحث نمی‌گشود تا منجر به ابداع «عناصرشناسی» و «موضوع‌شناسی» شود. در کنار این اندیشه در روش، بایستی «مایه دادن به بی‌مایه را نیز دور از روش تحقیق» دانست. زیرا سخنی که مایه ندارد را بایستی ترک کرد^۱ و به دنبال اثبات و توجیه آن برنیامد.

۸-۲- استاد جعفری لنگرودی انتزاع به معنی برداشت یک مفهوم کلی - از جنس تصورات - از موجودات اعتباری همگون را، پرتو فروزان روش تحقیق دانسته است و استخراج یک مفهوم کلی - به صورت تعریف بیع - برای صدها نوع بیعی - مصادیق - که وجود دارد^۲ را حائز اهمیت می‌داند. نتیجه این روش ایشان را می‌توان در تعریف و انواع بیع در کتاب مبسوط ملاحظه کرد.

۹-۲- استاد جعفری لنگرودی به توسعه در روش تحقیق اصرار دارد و پایبندی نشان می‌دهد. ایشان شکوفائی روش تحقیق را ناشی از توسعه طلبی در آن می‌دانند. در کار تحقیق نبایستی قناعت به یک متن حتی اگر بسیار هم معتبر باشد کرد و لازم است که دامنه تحقیق گسترده باشد.^۳

۱۰-۲- گردآوری مطالب مختلف و پیوسته به یکدیگر را استاد جعفری لنگرودی «جمع متفرقات» نامیده است. به باور ایشان، روش تحقیق پژوهشگر این تعهد را می‌پذیرد که آن‌ها را گردآوری کند.^۴ مثال بارز و اکمل کار ایشان را می‌توان در مبسوط دید که اصطلاحاتی که به یکدیگر ارتباط دارند را از منابع و مکاتب حقوقی و فقهی مختلف گردآوری کرده است.

۱۱-۲- رعایت تنظیم شرح اصطلاحات علاوه بر دانش، نیاز به «ذوق لطیف و ظرافت اندیشه» دارد که این خود هنر است. ایشان با مثال زدن واژه‌های «حدیبیه - ش: ۶۰۱۳»، «عهدنامه یثرب - ش: ۱۰۰۲۹»، «کبیسه - ش: ۱۱۲۲۴ الی ۱۱۲۲۷» نشان می‌دهد که از متن تازی آن چیزی دستگیر نمی‌شود و تنظیم تعریف آنها به مواد قانونی و شرح، نشان دهنده دانش و هنر است.^۵

۱۲-۲- شاید این‌گونه به نظر برسد که آوردن اصطلاحات ساده و بدیهی در فرهنگ حقوقی چندان مناسب نباشد. اما استاد جعفری لنگرودی با این استدلال که فرهنگ حقوقی و نظائر آن تنها برای مردمان ورزیده و پخته نوشته نمی‌شود و ملاحظه حال مبتدی را نیز باید کرد، این اصطلاحات که تعداد آن زیاد هم نیست را آورده است.^۶

۱. همان، ص ۷۷

۲. همان، ص ۷۸

۳. ص ۸۲

۴. ص ۲۰۶

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، پیشین، ص ۳۹۳۵

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فرهنگ حقوقی، پیشین، ص ۱۴

اما جدای از این استدلال باید توجه داشت که فرهنگ حقوقی برای گردآوری اصطلاحات یک علم یا فن نوشته می‌شود و ملاک آن سختی و سادگی نیست. بلکه همان گونه که در صدر مقاله دیدیم اگر لغتی از معنای اصلی خود خارج و نزد جمعی معنایی خاص یافت، جای آن در مجموعه اصطلاحات آن علم است. ۱۳-۲- استاد جعفری لنگرودی هنگام انتشار اولین کتاب خویش در اصطلاحات حقوق در برابر با این انتقاد که چرا غالب این اصطلاحات عربی یا فرانسه است، این ایراد را ناشی از عدم آشنایی آنان با تألیف فرهنگ اصطلاحات دانسته و وجود این اصطلاحات را ناشی از نبود معادل مناسب برای آنها دانسته است و به واژه بیع که معادل فارسی آن خرید میشود، ولی نمی‌تواند بار معنایی و اصطلاحی بیع را داشته باشد، اشاره می‌کند. افزون بر آن «انس استعمال» ملاک و مشخصه‌ای مستدل و متناسب با تعریف اصطلاح نزد اهل فن است.^۱ کتاب مبسوط به عنوان آخرین کار ایشان مشحون از اصطلاحات عربی یا به زبان دیگر - فقه اسلامی - است که یا بایستی به همین گونه استعمال شود - مانند اوزان و مقایسه و مقادیر - یا اینکه معادل فارسی مناسب ندارند.

۱۴-۲- استاد جعفری لنگرودی افزودن مثال در تعریف را مناسب می‌دانند. بایستی این روش ممدوح را در تأسی به کتاب‌های لغت دانست که در وضوح معنا بسیار مؤثر است. همچنین اشاره به مواد قوانین یا قراردادهای بین‌المللی را جزئی از شیوه کار ارزشمند خود دانسته است. ارزش این کار می‌تواند یادگیری و مرور دانسته‌ها و یادگیری کاربرد صحیح اصطلاحات باشد.^۲

۱۵-۲- روش وی در تمامی کتابهای ترمینولوژی خود، مقایسه بین اصطلاحات متقارب و بیان اشتراک و اختلاف آنها به هدف روشنتر شدن حدود یک اصطلاح است.^۳

۱۶-۲- روش - و از نکات بارز کتابهای - استاد جعفری لنگرودی در اصطلاحات، نقد و انتقاد تعاریف به عمل آمده از واژه‌ها برای رسیدن به یک تعریف رساتر و سودمندتر است.^۴

۱۷-۲- درج منابع و مآخذ ذیل واژه‌ها در فرهنگ‌های حقوقی معمول و متداول نیست. در فرهنگ‌های لغت - به خصوص فرهنگ‌های اولیه - آوردن شاهد یا منبع به جهت مستند کردن تعریف متداول بوده است.^۵ استاد جعفری لنگرودی در کتاب «فرهنگ حقوقی» این کار را انجام نداده است؛ ولی این کار را حسب آنچه که در مقدمه ترمینولوژی گفته‌اند به ندرت و به خصوص در مورد اصطلاحات فقه و اصول انجام داده است.^۶

۱. همان، صص ۱۸ - ۱۵

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، پیشین، مقدمه ص ب

۳. همان، مقدمه ص ب. برای مثال واژه ش ۲۴۸۵

۴. همان، مقدمه ص ب

۵. ن. ک: دهخدا، علی اکبر، پیشین و معین، محمد، پیشین

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، پیشین، مقدمه ص ب. برای مثال ن. ک: واژه‌های ۲۲۷۴، ۳۴۶۴ و ۳۹۴۴

۱۸-۲- حلّ برخی مشکلات حقوقی به دستاویز ذکر شواهد و امثله برای توضیح ماهیت یک اصطلاح و همچنین استفاده از ابیات شعری که متضمن اصطلاحات مورد نظر است، تا خشونت مباحث حقوقی را تعدیل کند،^۱ از دیگر شاخص‌های موجود در روش وی است.

۱۹-۲- استاد جعفری لنگرودی بحث مفصل در تشریح اصطلاحات و آوردن تعاریف متعدد و نقد و بحث هریک را متناسب دایره‌المعارف دانسته که چند جلد شدن کتاب بدون اشکال و مخصوص جمع معدود است و کتاب‌های فرهنگ حقوقی مناسب این روش نیست.^۲

۲۰-۲- استاد جعفری لنگرودی در اصطلاح‌نویسی حقوقی، رعایت این موارد را ضروری می‌داند:
الف- در سبک نگارش حقوقی، به کار بردن اصطلاحات نقش عمده را دارد و لذا به کار بردن آن معمول است. برعکس ادبیات که نویسنده مقید در به کار بردن اصطلاحات در هنگام اصطلاح‌نویسی نیست.
ب- نقد ادبی و عبارت‌پردازی -مانند این که یک معنی را به چند عبارت آوردن- و آرایش عبارات در سبک ادبی مطلوب بلکه پسندیده است ولی در نوشتار حقوقی چنین استعمالی قبیح است. به همین جهت گفته‌اند: «سخن حقوق‌دان را باید با الماس سنجید» و روی همین اصل: «کثره المبنی تدل علی کثره المعنی».^۳

۲۱-۲- استاد جعفری لنگرودی براین باور است که: «هم باید ساده نوشت و هم باید با اصطلاحات این فن آشنا بود. ساده‌نویسی ما را از دانستن و به کار بردن اصطلاحات بی‌نیاز نمی‌کند و استعمال اصطلاحات مانع ساده‌نویسی نمی‌شود».^۴

۲۲-۲- استاد جعفری لنگرودی از روش عدم ذکر منابع در کتاب فرهنگ حقوقی و ارجاعات نادر در ترمینولوژی، به آوردن منابع دست اول در کتاب «مبسوط» رسیده است و در نهایت، اصطلاحات کتاب «وسیط» را به مبسوط ارجاع داده تا حجم کتاب آخر، افزون بر گزیده بودن اصطلاحات کاهش یابد و یک جلدی شود. ایشان ذکر منابع در «مبسوط» را به جهت دسترسی مطالعه کننده به منابع گفته است. هرچند بیان این نکته که ذکر منابع «دست سارقین ادبی را باز می‌کند» نشان دهنده تلاش فراوان و طاقت فرسایی است که ایشان در مستندسازی اصطلاحات کرده‌اند، ولی ایشان خود پاسخ می‌دهند که «نفع ذکر منافع بیشتر و مصالح عامه مقدم بر منافع» معدود است و «امیر قافله را هم تغافل باید که بی‌نصیب نمانند قاطعان طریق».^۵

یکی از نکات مهم این که وی ضمن‌گزینش روش خاص خود در تحقیق به جهت‌گریز از «فرهنگ جهان

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، مقدمه ص ج. برای مثال ن. ک: واژه ۵۴۰۷

۲. مقدمه ص ج

۳. مقدمه ص ه

۴. مقدمه ص و

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، پیشین، مقدمه ص ۴

سوم» در کار علمی، در مورد ذکر منابع بر این نظر هستند که: «پس اگر منابع واژه‌ها را ذکر می‌کنم غرض این نیست که اندیشه خوانندگان را متوجه اهمیت مطالب آن منابع کنم زیرا بسی از آن مطالب اکنون خریدار ندارد و یا ارزش علمی آنها محل بحث و اشکال من است. غرض من این است که برای توسعه نظر، سخنان مرا با منابع در ترازوی قیاس و سنجش بگذارند و احساس کنند که چگونه طرق جدید تحقیق را پیموده‌ام؛ و اگر پسندیدند همان طرق را دنبال کنند».^۱

۲۳-۲- در خصوص ذکر منابع، روش و باور استاد بر این است که برخلاف عادت، کمیّت منابع را در نظر نداشته و به کیفیت منابع اهمیت داده‌اند. مهمترین منابع مانند «جواهرالکلام» شیخ محمدحسن صاحب جواهر، «تهذیب اللغه» ازهری، «نهایه» ابن اثیر، «مجمع البحرین» فخرالدین طریحی و «صبح الأعشی» احمد بن علی قَلَقَشَنَدی که فیش‌برداری کرده است را ذکر می‌کند. وی متذکر می‌شود که «در ایران اکثر مجلدات جواهرالکلام را فیش‌برداری کرده بودم اما به خاطر کتاب مبسوط خود بار دیگر در اروپا دوره جواهرالکلام را پتک‌برداری (= فیش‌برداری) کردم تا خوانندگان مبسوط بتوانند به وسیله کتاب ما هر مسئله‌ای را که بخواهند در کتاب جواهر پیدا کنند و به آیات و احادیث هر مسئله وقوف یابند»^۲ با این وجود وی در موارد لازم از کمیّت غفلت نورزیده است و در کتاب مبسوط به دیگر کتابهای خود ارجاع داده که دارای منابع متعددی در مباحث ضروری بوده است و از این حیث غنای بیشتری بخشیده‌اند.^۳ وی در کتاب وسیط، ضمن آوردن منابع جدید، به مبسوط هم ارجاع داده است که در نتیجه کتاب‌های ارجاعی از مبسوط نیز در دسترس خواننده قرار می‌گیرد. این موضوع نشانگر آن است که استاد جعفری لنگرودی از منابع و مصادر جدید در تکمیل موضوعات و در دسترس قرار دادن غافل نبوده است.

۲۴-۲- او بنابر عرف موجود در کشورهای اسلامی، اولویت را به اصطلاحات اسلامی داده است. با توجه به تعریفی که از اصطلاح آوردیم، این موضوع به مبنای قواعد حقوقی و مفهوم اصطلاح در زبان حقوقی کشورهای اسلامی عنایت دارد. استاد جعفری لنگرودی در این خصوص مسئولیت مدنی را در قوانین ایران مثال زده که اساس آن مبتنی بر حقوق اسلام است. اگرچه اصطلاح مسئولیت مدنی متخذ از مکاتب دیگر حقوقی باشد.^۴

۲۵-۲- حقوق تطبیقی، رشته‌ای مستقل و مباحث آن از حیث جزئی یا کلی دارای ضوابطی است که ناشی از سختی در بررسی و مقایسه دو موضوع در دو یا چند نظام و سیستم حقوقی است. با این وجود و علی‌رغم عدم ضرورت و معمول نبودن آن، استاد جعفری لنگرودی در ترمینولوژی نگاری

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، پیشین، ص ۷۶۷

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، پیشین، مقدمه ص چهار .

۳. مقدمه صص ۵-۶

۴. همان، مقدمه ص ۶

نیز صعوبت و مشکلات کار را تقبل کرده است و با تأسی از نگارش «فقه المقارن» در حقوق اسلام، پژوهش مقایسه‌ای در حقوق فرانسه و اسلام را انجام داده است. وی در این خصوص «تعدد اقامتگاه» و «ذی الوطنین» را مثال زده است.

استاد جعفری لنگرودی متذکر می‌شود که در همه تألیفات خود، روش علامه حلی - قدس سره - در تذکره الفقهاء را اختیار کرده است.^۱

۲-۲۶- در خصوص گردآوری اصطلاحات در فرهنگ‌نویسی و نظرات وی در این خصوص پیش از این نیز مطالبی ذکر شد. استاد جعفری لنگرودی گردآوری اصطلاحات را در فرهنگ نگاری کافی ندانسته و لذا اصولاً، از جهاتی آن را گردآوری هم نمی‌داند.

به نظر وی، بایستی حداکثر تلاش جهت گردآوری اصطلاحات پراکنده در متون و السنه اهل دانش حقوق انجام گیرد و سپس با بررسی همه جانبه موضوع در منابع مختلف، تعریف صحیحی برای آن بیان شود. در این خصوص واژه‌های: «استلاب»، «فتودالیت» و «خاصه خرجی» را مثال زده و ارائه تعاریف برای آنها را کاری تحقیقی و نه گردآوری دانسته‌اند. او اختصاص فرهنگ‌نویسی به گردآوری را تشبیه به سخن عوام کرده است.^۲

۲-۲۷- تلاش استاد جعفری لنگرودی در ضبط و شرح اصطلاحات مربوط به حقوق سیاسی اسلام در کتاب مبسوط به گونه‌ای است که تذکر می‌دهد: «در آینده صاحب همّتی دانشمند، بتواند الهام بگیرد و کتابی جامع در حقوق سیاسی اسلام بنویسد». اصطلاحاتی مانند: آزادی‌های سیاسی، آزادی انجمن‌ها، آزادی اندیشه، اتحادیه قبایل، امر جامع و...^۳ تشریح این آزادی‌ها در منابع بسیار معتبر اسلامی آمده و از جایگاه ارزشمندی برخوردار است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. همان، مقدمه ص ۶

۲. همان، مقدمه ص ۷

۳. همان، مقدمه ص ۱۰

نتیجه و پیشنهاد

گرچه اصطلاح، تعریف ویژه خود را دارد و روش تدوین آن نیز گردآوری و ضبط و ثبت آنها است، ولی استاد جعفری لنگرودی با روش و استدلال خاص خویش، تألیف و تحقیق و استنباط و واژه‌سازی را انجام داده و با عرضه نمودن و دفاع از روش خود، ضمن اعلام عدم تقلید از روش‌های پیشینیان، بر روش خود پای فشرده و بر این باور است که بدون آن، انجام این کار علمی و پژوهشی به این شکل امکان‌پذیر نبوده است. او با همین باور به انجام چنین تألیفاتی موفق شده است.

وی بی‌گمان در انتخاب و وسعت روش به کتاب «صبح الأعشى» توجه داشته و با اشراف کامل بر مشکلات و صعوبت کار و با نگاهی که به کتاب پیش گفته داشته است این راه و روش را انتخاب کرده و کار خود را با موفقیت به پایان رسانیده، عوالم جدید را تجربه و افق‌های جدیدی را گشوده‌اند.^۱

استاد جعفری لنگرودی از ابتدا و با وسواس خاص به گردآوری یادداشت و به تعبیر خودشان «پته‌برداری» پرداخته و در طول ۵۰ سال و به طور متناوب و منظم مبادرت به انتشار کتاب‌های فرهنگ حقوقی و دانشنامه کرده است که این امر موجب ابداع یک روش قابل دفاع در فرهنگ حقوقی نگاری شده است و دلیل آن نیز ارزیابی مثبت از آثار ایشان است.

مؤلف با درج منابع و بحث در اصطلاحات، و قواعد روشی را بنیان گذاشته است تا مجموعه‌های عرضه شده، فراتر از یک کتاب فرهنگ اصطلاحات ارزیابی شود و بدیهی است که در این میان می‌تواند ایراد و اشکال و انتقاد هم باشد که به یقین در نوشته‌ها و گفتارهای علمی بیان و بحث می‌شود.

با این وجود و با همین روش می‌توان به وی پیشنهاد داد تا با نظارت ایشان و با گزینش اصطلاحات مورد نیاز، یک فرهنگ حقوقی یک جلدی دستینه^۲ فراهم آورد و در کنار آن نیز مبسوط را برای مراجعات پژوهشی و به عنوان مرجع تشریحی اصطلاحات استفاده کرد و حتی با بررسی‌های مداوم به غنا و ارزش آن افزود. این امر مستلزم به روز رسانی مداوم و منظم است.

به هر روی کتاب‌های ترمینولوژی، مبسوط، وسیط، دانشنامه، دائره‌المعارف و الفارق سرمایه علمی جامعه حقوقی کشور و فرهنگ عمومی جامعه ایران و اسلام هستند و باید با آگاهی به ارزش و تأثیر آنها، در استفاده مناسب و به روز رسانی آن‌ها توجه داشت.

۱. قلقشندی در ابتدای صبح الأعشى ۳۵/۱ می‌گوید: «موضّحاً لما أبهماه بتبيين الأمثلة مع قرب المأخذ و حسن التأليف و متبرعاً بأمر زائدة على المصطلح الشريف لايسع الكتاب جهلها. متنقلاً من توجيه المقاصد و تبين الشواهد، بما يعرف به كل قضية و أصلها.» همچنین مصححین کتاب در مقدمه آورده‌اند: «اعتمد القلقشندی فی جمع مادة موضوعته و تأليفها على نوعين أساسيين من المصادر. هما: محفوظات ديوان الأنشاء من الوثائق و المراسلات السلطانية و الدبلوماسية و الثانية أمّهات الكتب و المصنفات فی مختلف ميادين العلم و الأدب التي طرق ابوابها فی كتابه». جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، ص ۱/۱۲.

۲. جایگزینی برای «هند بوک». دفتر اول واژه مصوب فرهنگستان.

منابع و مأخذ:

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، (۱۳۹۰)، ترجمه: پروین گنابادی، محمد، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. آیه الله زاده شیرازی، مرتضی، آذرنوش، آذرتاش و عادل، محمود، (۱۳۷۲)، مجمع اللغات، فرهنگ مصطلحات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. تهانوی، محمدعلی بن علی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، لبنان، مکتبه لبنان ناشرون.
۴. جابری عربلو، محسن، (۱۳۶۲)، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، تهران، امیرکبیر.
۵. جرجانی، میرسید شریف، (۱۳۹۴)، تعریفات، ترجمه: سیدعرب، حسن و نوربخش، سیما سادات، تهران، فرزانه.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۳۵)، فرهنگ حقوقی، تهران، کانون معرفت.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۳)، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستاد.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۳)، دائره‌المعارف علوم اسلامی، تهران، گنج دانش.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۲)، دانشنامه حقوقی، تهران، امیرکبیر (دوره پنج جلدی).
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، تهران، گنج دانش.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، صد مقاله در روش تحقیق علم حقوق، تهران، گنج دانش.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، الفارق، جلد دوم، تهران، گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، علم حقوق در گذر تاریخ، تهران، گنج دانش.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، تهران، گنج دانش.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۲)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۳)، قوه قدسیه، تهران، گنج دانش.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، راستاد، ۲۵۳۷.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران.
۱۹. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۳)، سقوط تعهدات، تهران، مجد.
۲۰. صدرزاده افشار، محسن، (۱۳۶۹)، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، تهران، جهاد دانشگاهی.
۲۱. علامه حلی، تذکره الفقهاء، چاپ قدیم، نسخه الکترونیک مکتبه اهل البیت، ویرایش دوم.
۲۲. قنبری، محمدرضا، (۱۳۸۶)، بر تارک علم، تهران، گنج دانش.
۲۳. کاشانی، ابیبکر، بدایع الصنایع، نسخه الکترونیک مکتبه اهل البیت، ویرایش دوم.
۲۴. معین، محمد، (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی معین، تهران، نامن.
۲۵. مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی.
۲۶. مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، (۱۴۲۳ هـ ق)، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت ع - قم - مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی، تا کنون ۴۱ جلد آن منتشر گردیده است.